

بلك فرايدى كه مى گفتن اين بود؟



كارتون: حسين قليپ

جمعه اى كه گذشت، جمعه سياه يابه گفته خارجى ها بلك فرايدى بود. يعنى فروشگاه ها در اين روز اجناسشان را حراج مى كنند و با تخفيف هاى باورنكردنى مى فروشند. مردم خارجى هم كه خودشان راته كلاسى مى دانند، چنان به فروشگاه ها هجوم مى برند كه جايش تا بلك فرايدى بعد هنوز دردمى كند.

فلسفه جمعه سياه چيست؟

داستان از اين قرار بوده كه خارجى هاى كه نزديك سال نويشان است، بروند اجناسى را كه براى شب عيدشان لازم دارند، با قيمت مناسب بخرند. البته كه بيشتر اين حراجى ها هم واقعى است. خارجى ها فلان جنس را از قبل در فروشگاه نشان مى كنند و كله سحر فرايدى، پس از باز شدن درهاى فروشگاه چنان خودشان را به داخل پرتاب مى كنند و اجناس را از همدگر چنگ مى زنند كه صدر حمت به جهان سوم و چهارم و صد و هفتادم.

ماروچه به «فلك برايدى»؟

حالا به لطف شبكه هاى اجتماعى و فضاى مجازى، اين رسم هم مثل هالووين و خواستگارى وسط خيابان و چالش كوفت و زهرمار، به جامعه ما وارد شده است. البته فرايدى خارجى يك روز است، ولى جمعه سياه ما تقريبا دو هفته اى طول مى كشد. بماند كه سه ماه تا سال نوى ما مانده و در حراجى هاى جمعه سياه ما، بايد زور بزنيم تا يك چيزى را به قيمت هفته پيش پيدا كنيم. چه برسد به تخفيف ۹۹ درصد.

از شير مرغ تا جون آرميزار

بدنيست چند تا ترند بعضى فروشندگان در حراجى جمعه سياه را لوبدهيم. دركيپى هاى ايرانى اين حراجى، مثلاً، فروشگاه هاى اينترنتى، تبليغ مى كنند تا ۹۹ درصد تخفيف داريم. بعد با مصيبت وارد سايت مى شوى و مى بينى فقط سوزن ناسوس تريلى هجده چرخ يا ميخ يخ شكن سورتبه قطبى يا اسپرى زير بغل مارا با اين تخفيف مى دهند. تازه بعيد نيست ان ها را هم گران تر بدهند. چون قيمت واقعى اش را نمى دانيم. بقيه اجناس هم يا گران تر هستند، يا نيم درصد تخفيف دارند، يا هرچه تخفيف دارد موجود نيست، يا...

سوالات تستى

فرايگ اشتاين

۱. بزرگ ترين مزيت بلك فرايدى در ديگر كشورها چيست؟

- ايجاد درآمد براى اورژانس ها
- آب كردن جنس هاى بنجل
- نمايش فرهنگ عمومى
- نمايش فنون دفاع شخصى

~~~~~

۲. معمولاً كدام كالاها در بلك فرايدى ايران تخفيف بيشترى دارند؟

- چسب كوچك كننده بينى
- آينه بغل بوگاتى
- زه بغل در پرايد
- تجهيزات فضا نوردى

~~~~~

۳. مناسب ترين زمان و مكان برگزارى بلك فرايدى كجا و در كدام كشور است؟

- خارج - سال نوى ميلادى
- خارج - پس از جشن شكرگزاري
- خارج - فصل خريد كريسمس
- ايران - وسط پايبز!

صفحه ۵
۴ آذر ۱۴۰۲
شماره ۸۹



من به پدرم افتخار مى كنم. چون او قوى ترين فردى است كه در زندگى ام ديده ام. آن حجم از نايده گرفتن بدو بيراه هاى مردم و تمرکز به مسير براى رسيدن به مقصد و پشت سر گذاشتن انرژى هاى منفى ديگران، فقط از يك انسان قوى بر مى آيد. البته درست است كه اين طور به نظر مى آيد كه بيشتر هوندا سوار پدرم مى شود تا پدرم سوار او، اما پدرم همچنان فردى زيرك، با اعتماد به نفس، قوى و عاشق است.

تماشاى اين اثر هنرى كيف كنند. اما متأسفانه گاهى مردم قدر نشناس مى شوند. مثلاً يك روز پدرم مى خواست هوندا را با خود به داخل فروشگاه ببرد تا هنگام خريدش، مردم بيشترى بتوانند آن را ببينند، ولى مسئولان فروشگاه نه تنها هوندا را راه ندادند، بلكه پدرم را هم بدون احترام به بيرون هدايت كردند. واقعا انسان ها گاهى خيلى عجيب مى شوند. مگر هوندا ها دل ندارند؟ چرا نبايد بتوانند به خريد و پارک و شهر يازى و رستوران بروند؟